

## مربی همیشه خندان گردان تخریب



شهید اربابیان در عملیات بدر یاری کننده بچه های تخریب در انهدام دژهای جزیره مجنون بود. در عملیات عاشورای 3 با همکاری شهید سید امین صدر نژاد تله های انفجاری فراوانی را برای استفاده در عملیات آماده کرد که در عملیات از آن استفاده شد و از دشمن تلفات زیادی گرفت.

شهید اربابیان در عملیات بدر یاری کننده بچه های تخریب در انهدام دژهای جزیره مجنون بود. در عملیات عاشورای 3 با همکاری شهید سید امین صدر نژاد تله های انفجاری فراوانی را برای استفاده در عملیات آماده کرد که در عملیات از آن استفاده شد و از دشمن تلفات زیادی گرفت. به گزارش گروه &#171#مقاومت و حماسه» خبرگزاری فارس، بعضی از فرماندهان جبهه به آموزش رزمی اهمیت زیادی می دادند از جمله آنها می توان از شهیدان محمد ابراهیم همت و شهید رستگارمقدم نام برد.

این نقل شهید همت رو برای اولین بار از زبان سردار شهید تخریب حاج ناصر اربابیان شنیدم که از قول این شهید می گفت: "اگر 100 تومان به من بدهند و بگویند خرج عملیات کن، من 90 تومان اون رو خرج آموزش می کنم و 10 تومان خرج خود عملیات". شاید در نگاه اول این جمله ساده و پیش پا افتاده باشد اما اگر کمی دقت کنیم به درایت و دور اندیشی صاحب این کلام باید آفرین گفت. فرماندهانی که در جنگ به امر آموزش و تربیت رزمی نیروهای تحت امرشان اهمیت دادند توانستند با حداقل تلفات مأموریت خود را انجام دهند. شهید حاج کاظم رستگار فرمانده لشکر سیدالشهدا (ع) نیز توجه فراوانی به امر آموزش داشت، بخصوص آموزش های تخصصی جنگ و عنایت ویژه ای به آموزش رزم بچه های تخریب داشت و بعد از عملیات خیبر و اتفاقاتی که در روند عملیات افتاد این حساسیت بیشتر شد و در دیدارهای متعددی که با فرماندهان و بچه های تخریب داشت به آنها گوش زد می کرد که هر چه می توانید در کنار تربیت معنوی، آمادگی رزمی خود را هم بالا ببرید.

شهید حاج عبدالله نوریان فرمانده گردان تخریب لشکر سیدالشهدا (ع) این امر فرمانده محبوب خود را به جان خرید و یکی از نیروهای لایق و توانمند خود را براین کار گمارد.

شهید حاج ناصر اربابیان از تابستان سال 63 در کنار شهید نوریان به امر آموزش بچه های تخریب پرداخت و با بهره گیری از تجارب عملیات ها رزمندگانی را تربیت کرد که تا آخرین روز جنگ گردان تخریب لشکر سیدالشهدا (ع) را یاری نموده و در مأموریت های عملیات، لشکر 10 سیدالشهدا (ع) قوت قلب فرماندهان بودند.

شهید ناصر اربابیان / فرمانده گردان تخریب لشکر سیدالشهدا (ع)

شهید حاج ناصر دست پرورده شهید علی کفایی فرمانده تخریب لشکر حضرت رسول (ص) بود و همیشه از حماسه دلاوری او در عملیات والفجر یک یاد می کرد و می گفت:

علی وقتی دید زمان برای بریدن سیم های خاردار در داخل کانال نیست و دشمن هوشیار شده و تاخیر در بازگشایی معبر تلفات را بالا می برد، اژدر بنگال (لوله ای پر از مواد منفجره که برای باز نمودن معبر و انبوه سیم خاردار از آن استفاده می کنند) را داخل حجم سیم ها، خاردار، فله بده حاشنه، نانچک، داخل، آن قار، داده ضامن، کشید و مس با دانه، رزمندگان باز کرده خود قطعه قطعه شد.

عملیات بدر / زمستان 64 / شهید اربابیان اولین نفر سمت چپ / شهید نوریان نیز در تصویر دیده می شود

شهید اربابیان در عملیات بدر یاری کننده بچه های تخریب در انهدام دژهای جزیره مجنون بود. در عملیات عاشورای 3 با همکاری شهید سید امین صدر نژاد تله های انفجاری فراوانی را برای استفاده در عملیات آماده کرد که در عملیات از آن استفاده شد و از دشمن تلفات زیادی گرفت.

تجربه عملیاتی شهید ناصر در آموزش غواصان تخریب که برای عملیات والفجر 8 مهیا می شدند به کار آمد تا بچه های تخریب بتواند به سلامت از اروند خروشان عبور کرده و از میان انبوه سیم خاردار و هشت پرهای متعدد و بشکه های فوگاز معبری امن برای عبور رزمندگان باز کنند. توانمندی شهید ناصر در برنامه ریزی برای مین گذاری مقابل دشمن در دفع پاتک های متعدد در جاده فاو - ام القصر و اطراف کارخانه نمک موثر بود به طوری که دشمن را از دست یابی به مواضع رزمندگان نا امید ساخت.

اطلاعات رزم عملیات های سیدالشهدا (ع)، کربلای 1، 2 و اصرار دشمن در مسلح کردن زمین عملیات، شهید ناصر را برآن داشت که در آموزش بچه های تخریب، روی عبور از موانع بیشتر دقت کند و برای عبور از سیم خاردارها که به صورت طولی دشمن در مقابل مواضعش، استفاده کرده داخل، آن، با انعام، مسلح کرده به حاشه اندیش، شد.

زمستان 64 / رودخانه کارون / آزمایش موشک رعد / شهیدان اربابیان، پوررازی، زعفری

آموزش های آبی خاکی در آبان و آذر سال 65 نوید عملیات در آبگرفتگی را میداد و اضافه شدن مواد منفجره و تمرین انفجار دژ و جاده و خاکریز حکایت از سخت بودن کار داشت. استفاده از کمربندهای انفجاری برای انفجار درختان نخل و رها کردن آنها روی آبراهه های جزیره ام الرصاص از ابتکارات شهید ناصر بود و او همه توان خود را خرج کرد که نیرویی تربیت کند که آمادگی این کار بزرگ را داشته باشد.

شب عملیات کربلای 5 در کنار شهید سید محمد زینال الحسینی فرمانده گردان تخریب ل 10 سیدالشهدا (ع) قرار گرفت و با توجه به شناختی که از توانمندی بچه ها داشت در گزینش نیروها برای مأموریت ها موثر بود و خود نیز مأموریت انفجار دژی را پذیرفت که با

انهدام آن مسیر تردد قایق ها برای حمله به دژ شلمچه در منطقه عملیاتی لشکر سیدالشهداء(ع) باز گردید. تخریب ل10 با توجه به ماموریت های متعدد در عملیات کربلای 5، تکمیلی کربلای 5 و کربلای 8 در منطقه شلمچه همچنان توانمند و پا به کار جلوه می کرد. تمامی گردان های عمل کننده برای بازسازی و استراحت عقب رفتند اما تخریب همچنان در خط مقدم حضور داشت.

معمولا اتفاق می افتاد که در ماموریت ها، گردان های تخریب از سایر تیپ ها و لشگرها نیروی تخریب چی به کمک می گرفتند اما برای تخریب ل10 سیدالشهداء(ع) به جهت توانمندی کادر آموزشی و شخص شهید اربابیان در تربیت نیروهای مورد نیاز برای عملیات ادب، نای احساس نشد.

قبل از عملیات کربلای یک/ فرماندهان ل10/ شهید اربابیان نفاول نشسته از سمت چپ

بهار سال 66 عملیات در جنوب متوقف شد و یگان های عملیاتی برای عملیات به غرب کشور نقل مکان کردند و لشکر 10 سیدالشهداء(ع) در پادگان امام علی (ع) در شهر سنج مستقر شد. چون عملیات در منطقه کوهستانی بود باید نیروها برای زدن معبر در کوهستان آماده می شدند و باز شهید اربابیان آموزش را بر اساس کار در کوهستان و مناطق شیب دار سازماندهی کرد و ظرف کمتر از یک ماه گردان به آمادگی کامل برای عملیات رسید و عملیات های نصر4 و بیت المقدس 2 به انجام رسید. تیرماه 66 و در عملیات نصر4 شهید سید محمد زینال الحسینی فرمانده گردان تخریب ل10 سیدالشهداء(ع) به شهادت رسید. این گمان از سوی مسوولین لشکر می رفت که با شهادت ایشان توان عملیاتی گردان کم شود. لاکن با تلاش های شهید حاج قاسم اصغر، ه شهید اربابیان، خلا نهد شهید سید محمد با ط ف شد.

بهار 65/ موقعیت الوارثین/ شهید اربابیان در کنار شهید زینال الحسینی

عید سال 67 ماموریت عملیات در منطقه شاخ شمیران به لشکر سیدالشهداء(ع) محول شد و غواصان تخریب با گذشتن از دریاچه سد دربندی خان عراق توانستند معبری در پشت مواضع دشمن باز نموده و رزمندگان را برای حمله به دشمن عبور دهند. بعد از این عملیات بود که سنگر بچه های تخریب در زیر ارتفاع " تیمورژنان " و مقر آنها در شهر بیاره عراق توسط هواپیماهای بعثی بمباران شیمیایی شد که در این حمله ناجوانمردانه 13 تن از رزمندگان تخریبچی شهید و نزدیک 50 نفر نیز مجروح شدند که شهید حاج ناصر اربابیان از جمله مصدومین این حمله بود که از ناحیه چشم، پوست و ریه به شدت آسیب دید و در بیمارستان لقمان و بقیه الله تهران بستری شد. شدت صدمات به حدی بود که می بایستی ماه ها در بیمارستان بستری و تحت نظر باشد اما این عزیز با همان حالت مصدومیت در حالی که چشمانش به شدت به نور حساس شده بود و از سوزش تاول ها و سرفه های پی در پی رنج می برد در اردیبهشت ماه سال 67 مجددا به جبهه برگشت و در مین گذاری روی ارتفاعات مشرف به شهر ماووت شرکت کرد. سال 67 سال سرنوشت سازی برای جبهه ها بود از یک سو دشمن با کمک استکبار جهانی با تمام توان به مواضع ما در جبهه یورش برد و از طرف دیگر جنگ شهرها قوت گرفت و رویارویی امریکا با جمهوری اسلامی در منطقه با حمله به سکوها نفتی و زدن هواپیماهای مسافربری آغاز شد. اواخر تیرماه 67 بود که دشمن بعثی از جبهه شریانی و فکه برای هجوم به خاک کشورمان و تهدید شهرهای شوش، اندیمشک و دزفول عملیات خود را آغاز کرد و ابتدا با بمباران شدید هوایی و گلوله باران منطقه، مقاومت نیروهای ارتشی مستقر در خطوط پدافندی در این دو جبهه را شکست و از سمت فکه تا تپه های "برغازه" محل استقرار یکی از تیپ های ارتش جلو آمد و از طرفی مقر اصلی تخریب لشکرده سیدالشهداء(ع) که به **موقعیت الوارثین** شهرت داشت در سر راه پیشروی دشمن قرار داشت. بچه ها تخریب در مقر، با فرماندهی شهید اربابیان آماده می شدند تا با مین گذاری مقابل دشمن و عملیات های انفجاری جلوی دشمن را سد کنند و شهید اربابیان صبح روز 22 تیرماه 67 به همراه یکی دیگر از رزمندگان تخریب با موتور سیکلت برای شناسایی دشمن از طریق جاده فکه اقدام می کنند که در محل استقرار تیپ پدافند کننده در منطقه که به دست دشمن افتاده بود با انبوهی از تانک و نفربر مواجه می شوند و در مسیر برگشت با سربازان دشمن روبرو شده و درحالی که روی جاده با موتورسیکلت در حرکت بود از ناحیه پهلوی مورد اصابت گلوله قرار می گیرند و بعد از طی مسافت کوتاهی به علت خونریزی شدید و ضعف موتور از حرکت می ایستند.

دشمن برای دستگیری ایشان اقدام می کند اما همراه ایشان موفق می شود از چنگ دشمن فرار کنند و بعد از 4 ساعت پیاده روی، خود را به مق اله اثب رساند.

خردادماه سال 67/ چندروز قبل از سقوط جزیره مجنون

غروب روز 22 تیرماه 67 دشمن از مواضع خود عقب نشینی کرد و بچه های تخریب با حضور در منطقه موتور سیکلت را در وسط جاده سالم پیدا کردند که کنارش خون زیادی ریخته بود و جای چرخ های نفربری که حکایت از انتقال ایشان به مواضع دشمن می کرد. بچه ها تمام خاک های منطقه را که احتمال دفن ایشان می رفت واریسی کردند اما اثری از این عزیز نیافتند. هیچ کس جز زمین داغ فکه نمی دانست با فرمانده دلاور ما چه کردند تا اینکه در خردادماه سال 1380 آن پیکر مطهر به آغوش میهن اسلامی ما بازگشت و در گلزار شهدای بهشت زهراء(س) قطعه سرداران(29) ردیف 18-شماره 9 در جوار امیر سرافراز ارتش جمهوری اسلامی سپهبد شهید علی صیاد شیرازی آرام گرفت.

\*راوی: جعفر طهماسبی